

چاوز، ونزوئلا و آمريکا

(راد مرد راستين)



معرفی مختصر ونزوئلا



جمهوری ونزوئلا کشوری است واقع در سواحل شمالی آمریکای جنوبی که توسط تعداد بی‌شماری از جزایر دریایی کارائیب در بر گرفته شده است. ونزوئلا از شرق با گویانا، از جنوب با برزیل و از غرب با کلمبیا هم‌مرز است. کوهایی پر برف آند در غرب و جنگلهای سرسبز آمازون در جنوب، جلوه زیبایی به این منطقه بخشیده‌اند. ترینیداد، توباگو، باربادوس و آروبا مجاور ساحل شمالی ونزوئلا قرار دارند. این کشور در نیمکره شمالی و نزدیک به استواست و جزو مناطق حاره‌ای محسوب می‌شود.

بخش اعظم نفوس این کشور در شهرهای شمالی و نزدیک کاراکاس پایتخت ونزوئلا زندگی می‌کنند. از شهرهای عمده این کشور می‌توان کاراکاس، والنسیا و ماراکای را نام برد. ونزوئلا در گذشته بخشی از مستعمرات اسپانیا بوده و اکنون ساختار فدرال دارد.

نام کامل: جمهوری بولیواری ونزوئلا

جمعیت: ۲۶/۶ میلیون

پایتخت: کاراکاس

مساحت: ۸۸۱۰۵۰ کیلومتر مربع

زبان: اسپانیایی، زبانهای محلی

دین: مسیحیت

امید به زندگی یا متوسطه عمر: ۷۰ سال (مردان)، ۷۶ سال (زنان)

واحد پول: بولیوار

اقلام عمده صادراتی: نفت، بوکسیت و آلومینیوم، فولاد، مواد کیمیایی، محصولات زراعتی

درآمد سرانه ملی به ازای هر نفر: ۴۸۱۰ دلار

کد تلفون بین المللی: ۰۰۵۸

رئیس جمهور: هوگو چاوز

معاون رئیس جمهور: جورج رودریگز

وزیر امور خارجه: نیکولاس مدورو

اقتصاد

صنعت نفت بر اقتصاد ونزوئلا حکومت می کند؛ یک سوم تولید ناخالص داخلی و ۸۰٪ صادرات را تشکیل می دهد و نیمی از درآمد دولت وابسته به این صنعت است. ونزوئلا یکی از پنج کشور بنیانگذار اوپک است.

ذخایر عمده نفتی کشور در مجاورت دریاچه ماراکایبو در خلیج ونزوئلا نهفته اند. بیشتر مبادلات اقتصادی ونزوئلا با برزیل، مکزیک، کلمبیا و ایالات متحده است.

صنعت زراعت این کشور نیز نقش مهمی در اقتصاد آن ایفا می کند.

در سال ۲۰۰۷ نرخ بیکاری در ونزوئلا ۸٫۴٪ بوده و ۳۷٪ مردم این کشور زیر خط فقر هستند.

رسانه ها

شبکه های تلویزیونی خصوصی زیادی در ونزوئلا فعالیت دارند؛ در عین حال تعداد زیادی ایستگاههای رادیویی و کانالهای تلویزیونی نیز متعلق به دولت هستند.

روزنامه ها

ال ناسیونال - روزنامه، کاراکاس

آلتیماس نوتیسیاس - روزنامه، کاراکاس

ال یونیورسال - روزنامه، کاراکاس

ال موندو - روزنامه بعد از ظهر، کاراکاس

پانوراما - روزنامه، ماراکایبو.

هو گو چاوز برای شکل دادن به دولتی برای مردم، خود او آشکارا دارای مزایایی است که کمتر سران دولت های جهان سوم از آن بر خوردارند. دونیرویوی که سریعا در برابر چاوز قرار گرفتند، منابع نفت ونزوئلا و شخصیت خاص ارتش ونزوئلا است. اگر چه چاوز حرکتی در جهت ملی سازی مالکیت خصوصی در صنایع بزرگ انجام نداد- عیار آن چیزی که بعنوان سوسیالیسم شناخته می شود- اما از درآمدهای نفتی در جهت حمایت مالی از پروژه های مختلف خود استفاده می کند.

چاوز می تواند بر وفاداری ارتش تکیه نماید چون ارتش ونزوئلا بی شباهت به سایر ارتش های آمریکای لاتین، (همچنین بی شباهت به ارتش فیلیپین) از نفوذ آمریکا مستقل می ماند. برای مثال، ارتش سربازانش را برای آموزش به مدارس رسوای آمریکایی که اکنون به خاطر اهداف پوششی، انستیتو نیمکره برای امنیت باز نامیده می شوند، نمی فرستد. در صنف های (ارتش ونزوئلا)، سربازان، علاوه بر آموزش عمومی، در باره تلاش های استقلال طلبانه کشورشان نیز آموزش می بینند. چیزی که چاوز بعد از این مجبور به انجام آن است، اعلام برنامه است که طی آن سربازان دوش به دوش توده مردم برای بسیاری از فعالیت های مردمی کار کنند. این اعتماد دو جانبه، به ویژه در پرتو وجود خطرات واقعی از جانب گروه نخبه کوچکی که جز به پشتیبانی ابرقدرت آمریکا نمی توانند روی چیزی حساب کنند، ضروری است .

تحقیر چاوز، عموما توسط رسانه های غربی وبه ویژه توسط دولت بوش راه اندازی شده است، اگر این تحقیر به درستی به خاطر اصول دموکراتیک باشد، به شدت مشکوک ومظنون است. خود چاوز بیش از یکبار اعلام کرده است که ترور او نمی تواند تعجب آور باشد. تلاشی که در موجودیت انقلاب بولیواری دیده می شود، بدون شک درنو آوری اش برای سیستم جایگزین، خارج از قلمرو نئو لیبرالیسم و رضایت واشنگتن قرار می گیرد.

منابع نفتی کشور اجازه این استقلال را به چاوز می دهند. به علاوه او همانند بولیوار، قهرمان قرن نوزده ، امر اتحاد آمریکای لاتین را به عهده گرفته است. از آن جمله ارایه خدمات به کوبا، پرداخت بدهی های آرژانتین ، و حمایت از اوا مورالس بولیویایی. ونزوئلا اخیرا رسما به مرکوسور پیوست، اما چاوز اتحاد اقتصادی آلبا، را نیز در مقابله با سیاست تجارت آزاد آمریکا وخلق مدل جدیدی از توسعه راه اندازی کرده است. در عرصه فرهنگی، کانال تلویزیونی تله سور، که توسط ونزوئلا، آرژانتین، کوبا و اوروگوئه راه اندازی شده

است موجود است که انتظار می رود جایگزین برنامه های جاری تحت نفوذ آمریکا در تولیدات آمریکای لاتین گردد.

نیروهای ترقی خواه در آمریکای لاتین و مناطق دیگر، پشت تحولات اجتماعی دموکراتیک و صلح آمیز ونزوئلا صف آرایی کرده اند. هواخواهان عدالت اجتماعی فیلیپین هم در این صف قرار دارند. در حالی که انقلاب ونزوئلا زمینه را برای سایر ملت ها آماده می کند.

اقتصاد ونزوئلا



مجلس ملی ونزوئلا اختیارات گسترده ای را به هوگو چاوز رییس جمهوری این کشور داد. این اختیارات از آن جهت به رییس جمهوری اعطا شده اند که وی بتواند با صدور فرامین حکومتی به تغییرات لازم در زمینه اجتماعی سرعت ببخشد. به همین منظور قانونگذاران ونزوئلایی در اقدامی نمادین با برگزاری جلسه ای در یکی از میادین مرکز شهر کاراکاس اختیارات ویژه ای را به هوگو چاوز اعطا کردند. بر اساس این اختیارات، فرامین حکومتی از این پس تحت عنوان قوانین کشوری تلقی خواهند شد و بر مبنای آن رییس جمهوری می تواند شخصا به قانونگذاری بپردازد. سیلیا فلورس رییس مجلس ملی ونزوئلا اعطای اختیارات ویژه به رییس جمهوری را چنین اعلام کرد: زنده باد ملت مقتدر، زنده باد رییس جمهوری هوگو چاوز، زنده باد سوسیالیسم، مام میهن یا سوسیالیسم یا مرگ، ما پیروز خواهیم شد.

این قانون مصوب مجلس به هوگو چاوز، که به تازگی برای سومین بار و برای یک دوره شش ساله ریاست انتخاب شده است، قدرت بیشتری را در مقایسه سال های قبلی که در مسند ریاست بوده اعطا خواهد کرد.

او در صدد است با استفاده از این اختیارات ویژه که به مدت ۱۸ ماه به وی اعطا شده تغییرات وسیعی را در عرصه زندگی مردم ونزوئلا ایجاد کند. این تغییرات گسترده وسیعی را در بر می گیرند به ویژه در زمینه اجتماعی. البته بخش عمده ای از تغییرات نیز در بخش های اقتصادی و بویژه

صنعت نفت انجام خواهند گرفت. چاوز پیشتر اعلام کرده بود : برای اجرای تحولات بنیادین سیاسی و اجتماعی و اقتصادی به " قوانین انقلابی " نیازمند است. او گفته بود: قصد دارد برخی از رشته های مهم اقتصاد را ملی کند و لازم می‌داند که حوزه‌های فعالیت رئیس جمهور را گسترش دهد.

هوگو چاوز از ابتدای سال ۲۰۰۷ طرح ملی کردن شرکت‌های «استراتژیک» ونزوئلا را آغاز کرده است و کلیه پروژه‌های بزرگ و چند میلیارد دلاری شرکت‌های خارجی در ونزوئلا را از آنها گرفت و اعلام کرد هیچ خسارتی نیز به آنها پرداخت نخواهد کرد. رئیس‌جمهور ونزوئلا هشدار داد در صورتی که بانک‌های این کشور همچنان سوددهی را بر ارائه خدمات ترجیح دهند، تمامی بانک‌های خصوصی را ملی خواهد کرد . هوگو چاوز هشدار داد که بانک‌های خصوصی و بزرگترین تولیدکننده فولاد در این کشور را به منظور افزایش توجه آنها به توسعه صنعت داخلی، ملی خواهد کرد. وی با وعده اینکه با حذف تمامی اختلافات طبقاتی، ونزوئلا را به جامعه‌ای بی‌طبقه تبدیل خواهد کرد، گفت: بانک‌های خصوصی باید اولویت را به تامین مالی بخش‌های صنعتی ونزوئلا با بهره پایین بدهند. چاوز که پیش از این شرکت‌های مخابرات و برق و بخش نفت را ملی کرده است، افزود :اگر بانک‌های خصوصی با ارائه وام‌های با بهره پایین به صنایع داخلی موافقت نکنند، بهتر است که آنها را ملی کنیم تا تمامی بانک‌ها به جای بورس‌بازی و کسب سود بالاتر، برای توسعه کشور فعالیت کنند.

علاوه بر بانک‌های خصوصی داخلی، بانک‌های بین‌المللی همچون سیتی‌گروپ آمریکا، بانکو بیلباؤی اسپانیا و بانک ویزکایای آرژانتین در ونزوئلا شعبه و نمایندگی دارند.

چاوز همچنین هشدار داد که امکان دارد شرکت تولید فولاد «سیدور» را که اکثر سهام آن متعلق به شرکت لوکزامبورگی «ترنیوم» است، به علت ایجاد انحصار در بازار فولاد ونزوئلا، ملی کند. هوگو چاوز رئیس جمهور ونزوئلا میادین نفتی منطقه اورنوک را که تا کنون در اختیار ۷ شرکت چندملیتی نظیر توتال، استات اویل و کونوکوفیلیپس بود در اختیار گرفت. او مورالز متحد بولیویایی چاوز نیز راه مشابهی در پیش گرفته است. یک سخنگوی شرکت نفتی توتال نیز که یکی از شرکت‌های فعال در اورنوک ونزوئلا است گفت: درآمدهای نفتی باید به صورت عادلانه تقسیم شود . این سخنگو از برآورد زیان مالی ملی شدن نفت برای شرکت های خارجی خودداری کرد و گفت دولت ونزوئلا با توتال در حال مذاکره است .

در روسیه نیز دولت قصد دارد منابع زیر زمینی اش را ملی کند. غول نفتی گازپروم کنترل پروژه گازی ساخالین دو را که تا کنون در دست غول نفت انگلیسی هالندی شل و میتسوئی و میتسوبیشی جاپان بود به دست گرفته است. ژان ماری شوالیه مدیر مرکز ژئوپولیتیک انرژی

دانشگاه دوفین پاریس در این خصوص معتقد است: گرایش به ملی کردن صنایع انرژی با افزایش بهای نفت افزایش می‌یابد چون تولیدکنندگان خواهان افزایش درآمدهایشان هستند.

هوگو چاوز رئیس جمهور ونزوئلا پیشنهاد عقد قرارداد همکاری‌ها میان کشورهای آمریکای لاتین در زمینه انرژی را مطرح کرد. هوگو چاوز این پیشنهاد را در جریان اولین نشست انرژی سران آمریکای جنوبی در ونزوئلا مطرح کرد. رئیس جمهور ونزوئلا خاطرنشان کرد پیمان انرژی مبتنی بر چهار محور نفت، گاز، انرژی‌های جایگزین و ذخیره انرژی خواهد بود. هوگو چاوز همچنین پیشنهاد داد ائتلاف بزرگ آمریکای لاتین برای تولید گاز مبتنی بر طرح دلتای کارائیب تشکیل شود. مسئله سوخت‌های جایگزین بویژه اتانول مد نظر کشورهای آمریکای جنوبی قرار دارند و ما مخالف آن نیستیم اما نباید تولید اتانول اثر منفی بر زندگی ساکنان منطقه بگذارد. چاوز با اشاره تلویحی به طرح جرج بوش برای تولید اتانول از محصولات زراعتی گفت، نمی‌توان این محصولات را برای آنکه سوخت موثرها تامین شوند تولید کرد و غذای مردم را از آنها گرفت. اولین اجلاس انرژی سران و مقامات بلندپایه کشورهای آمریکای جنوبی با حضور ونزوئلا، آرژانتین، شیلی، کلمبیا، گویان، برزیل، پاراگوئه، سورینام، اکوادور، اروگوئه و بولیوی در جزیره مارگاریتا ونزوئلا برگزار شد. در این اجلاس مسئله احداث خط لوله سراسری گاز آمریکای جنوبی نیز مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

به نوشته ال موندو، هوگو چاوز رییس جمهوری ونزوئلا که در مراسمی به مناسبت بزرگداشت روز جهانی کارگر سخن می‌گفت، ضمن بیان مطلب فوق افزود:

نامه رسمی خروج ونزوئلا از این دو نهاد جهانی را امشب امضا خواهم کرد. چاوز گفت: دیگر نیازی به سفر به واشنگتن، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی نداریم من می‌خواهم به خروج ونزوئلا از بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و تمامی این‌ها (این نهادها) رسمیت ببخشم. چاوز این سخنان را یک روز پس از پایان اجلاس البا (راه حل بولیواری برای کشورهای آمریکای لاتین) بیان کرد. در این اجلاس که کشورهای ونزوئلا، بولیوی، نیکاراگوئه و کوبا به عنوان کشورهای عضو البا در آن حضور داشتند، هوگو چاوز طی سخنانی شدیداً از عملکرد سازمان‌های بین‌المللی انتقاد کرد و گفت که در گذشته نیز نسبت به خروج از سازمان کشورهای آمریکایی هشدار داده بود.

چاوز همچنین هشدار داد که در صورتیکه سازمان کشورهای آمریکایی از تصمیم دولتش مبنی بر عدم تمدید مجوز پخش برنامه‌های رادیو تلویزیون خصوصی کاراکاس انتقاد کنند، ونزوئلا از این سازمان نیز خارج خواهد شد. چاوز در اجلاس البا درباره صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی نیز گفته بود: می‌خواهیم (از این دو سازمان) خارج شویم، نه می‌خواهیم عضو این

سازمان‌ها باقی بمانیم و نه می‌خواهیم که آن‌ها (طبق قرار دادهای فی مابین) پول‌هایمان را به ما بازگردانند، آن‌ها اکنون نیز به ما مقروض هستند، ما در آنجا سپرده‌ای داریم که البته نمی‌دانم مبلغش چقدر است، آن‌ها باید این سپرده را به ما بازگردانند.

هوگو چاوز اعلام کرد: باید هر آنچه را تا کنون خصوصی شده بود، ملی کرد. هوگو چاوز رئیس‌جمهوری ونزوئلا ضمن اعلام تصمیم خود مبنی بر ملی کردن شرکت مخابرات این کشور افزود: باید هر آنچه را تا کنون خصوصی شده بود، ملی کرد. ضروری است که تمام بخش‌هایی که پیش از سال ۱۹۹۹ خصوصی شده‌اند، تحت کنترل مجدد دولت درآیند. کشور باید تمامی بخش‌های استراتژیک تمامیت ارضی، امنیتی و دفاعی را مجدداً از آن خود کند. چاوز همچنین اعلام کرد روند رو به رشد استخراج مواد خامی که در کف بستر رودخانه اورینوکو قرار دارند نیز باید تحت کنترل دولت قرار گیرد. اعلام ملی کردن این بخش‌ها فقط نمونه‌ای کوچک از آن چیزی است که در دوران ریاست سومش رخ خواهد داد. چاوز در ادامه گفت: در صورت تفویض اختیارات بیشتر از سوی مجلس به رئیس‌جمهور، روند دولتی کردن شرکت‌های خصوصی را نیز آغاز خواهد کرد. ما به سمت ایجاد یک جمهوری سوسیالیست در ونزوئلا حرکت می‌کنیم. هیچ کس نمی‌تواند ما را از حرکت به سمت سوسیالیسم باز دارد.

چاوز و ونزوئلا



هوگو رافائل چاوز فریاس (زاده ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۴) پنجاه و سومین رئیس‌جمهور ونزوئلا است. چاوز به عنوان رهبر «انقلاب بولیواری» شناخته می‌شود و به خاطر سیاست‌های سوسیالیست دموکراتیک و ضدیت رادیکال با جهانی‌سازی نئولیبرالی و سیاست خارجی ایالات متحده مشهور است.

او مؤسس حزب چپ‌گرای «جنبش جمهوری پنجم» است که در حال حاضر در ونزوئلا در قدرت است.

چاوز به مثابه یک چهره آزادیخواه و مدافع فقیرترین توده‌ها مشهور است.

امروز چاوز به عنوان مهمترین مخالف آمریکا در نیم کره غربی و طرفدار سفت و سخت سیاست توزیع در آمد به جای سیاست تولید ثروت شناخته می شود. در ضمن او خود را دنباله رو فیدل کاسترو می داند. البته شهرتی که چاوز در این چند ساله بهم زده بی سبب نیست اما نباید فراموش کرد که در زمان نخستین انتخابش به عنوان رئیس جمهور ونزوئلا در سال ۱۹۹۸ هیچ کس چنین تصوراتی در باره ش نمی کرد.

در آن زمان قیمت نفت پایین تر از آن بود که سیاست های توزیعی در سطح امروز قابل انجام باشند. جو سیاسی و فکری آمریکای لاتین نیز با امروز متفاوت بود.

شخصیتهای نو لیبرالی مانند کارلوس منم، آلبرتو فوجیموری و ارنستو زدیلو در منطقه حکومت می کردند و دو نفر نخست هنوز به انتخاب مجدد به عنوان رئیس جمهور چشم داشتند. بازار باز و آزاد مد روز بود و بحث منطقه آزاد تجاری آمریکا هنوز به طور جدی دنبال می شد.

آنچه چاوز را از یک رهبر ملی به یک چهره جهانی تبدیل کرده است، عکس العمل های پر سروصدای او به جریانات و تحولاتی بوده که در واقع ربطی به خود او نداشته اند. یکی از مهم ترین این جریانات از سکه افتادن رفورم های مبتنی بر بازار آزاد در بخش بزرگی از آمریکای لاتین بود که خود تا حدود زیادی از کساد بازار جهانی مواد خام در اواخر دهه نود میلادی ناشی می شد.

جریان دیگر بی اعتمادی بخش بزرگی از مردم جهان به سیاست های مداخله گرانه و یک جانبه دولت بوش در گوشه و کنار جهان بود. اما جریان اصلی در این میان بالا رفتن جهانی بهای نفت بود و همین چاوز را قادر ساخت که با پول ونزوئلا به کشورهای دیگر کمک مالی کند .

پس در مجموع می توان گفت که موفقیت چاوز ناشی از عکس العمل های تیز هوشانه و در عین حال فرصت طلبانه به تحولاتی است که خود او نه تنها در ایجادشان نقشی نداشته که در بسیاری موارد قادر به پیش بینی هم نبوده. در صورت عدم حضور این عوامل هم احتمالاً امروز ریس جمهور به نام چاوز وجود می داشت ، اما سیاست هایش بسیار متفاوت می بود.

دگردیسی چاوز در دوران ریاست جمهوریش تا حدودی ناشی از تحولات داخلی و جهانی بوده است. آنچه چاوز را بیش از پیش رادیکال کرد اتخاذ سیاستهای فاجعه بار برخی مخالفان محافظه کارش بود. این مخالفان در ابتدا خیال می کردند که می توانند او را از آن خود کنند و چون در این کار توفیق نیافتند سعی کردند با استفاده از نفوذی که در رسانه های جمعی داشتند بحران درست کنند و به این وسیله او را پایین بکشند. نتیجه این جریان کودتای نافرجام سال ۲۰۰۲ بود که تنها راه موفقیتش دیکتاتوری عریان می بود.

پس از آن مخالفان به دنبال پشتیبانی از اعتصاب در صنایع نفت و نزوئلا رفتند، به این امید که این اعتصاب منجر به بحران اقتصادی و در نتیجه پایین آمدن محبوبیت چاوز شود.

البته بخش اول این محاسبه درست در آمد، به این معنی که اعتصاب موجب خسارات اقتصادی بزرگی برای ونزوئلا شد، اما نتیجه دیگرش این بود که فضای سیاسی را بیش از پیش قطبی کرد و زمینه هر گونه سازش را از بین برد و شرایط را برای حکومت شخصی و کیش شخصیت چاوز مهیا کرد. امروز به نظر می رسد که اپوزیسیون سرانجام درس لازم را از این تجربه آموخته باشد.

البته باید پذیرفت که از ابتدای کار نظر چاوز این بود که با حاکمان قبل از خود متفاوت باشد. سیاست او در طرفداری سفت و سخت از اوپک به روشنی با سیاست های دولتهای قبلی فرق می کرد. از سوی دیگر سابقه نظامی چاوز، بی علائقی او به احزاب باسابقه سیاسی در ونزوئلا و عدم اعتماد او به سیاست ورزان حرفه ای از جمله برخی از طرفداران خودش، او را از دیگر سیاستمدارانی که تا قبل از سال ۱۹۹۸ بر ونزوئلا حکومت کرده بودند متمایز می کند.

به همین دلیل می توان انتظار داشت که چاوز در طول زمان به تغییراتش ادامه دهد. از حالا روشن است که دوره ریاست جمهوری جرج بوش در ژانویه ۲۰۰۹ به پایان خواهد رسید. اگر چنانکه امروز پیش بینی می شود سیاست خارجی آمریکا پس از جرج بوش به سمت نرمش بیشتر متمایل شود طبعاً شعارهای ضد آمریکایی چاوز هم جاذبه شان را در عرصه جهانی از دست خواهند داد. همین امروز هم نشانه هایی از نرمش نویافته واشنگتن در رابطه اش با آمریکای لاتین در دست است. دیدار اخیر بوش از آمریکای لاتین هر چند دستاورد خاصی در زمینه سیاست خارجی نداشت اما حداقل نشان داد که دولت آمریکا حاضر است با سیاست مداران چپ گرای آمریکای لاتین وارد داد و ستد شود.

ونزوئلا به طور تاریخی چرخه های کوتاه و قوی رونق نفتی و سپس کساد شدیدی را تجربه کرده است. یکی از این چرخه ها در اواخر دهه ۱۹۴۰ اتفاق افتاد، دیگری در میانه دهه ۱۹۵۰، یکی دیگر در دهه ۱۹۷۰. وقتی که رونق امروز را با قبلی ها مقایسه می کنیم برخی تفاوت ها را می بینیم. این دفعه دولت سیاست توزیع درآمد را قاطعانه تر از دفعات قبل دنبال کرده است. سیاست طرفداری از اقشار کم در آمد به طور جدی دنبال شده اما این کار با اشتباهات زیاد و فساد و ریخت پاش فراوان همراه بوده است. مشکل دولت این است که امکانات مالی اش بیشتر از امکانات انسانی اش است و این مشکل خود را در همه جا نشان می دهد.

تنش بین ونزوئلا و آمریکا



آمریکا دیکتاتور و تهدیدی برای برقراری صلح در جهان است. هوگو چاوز در برنامه ارتباط مستقیم تلویزیونی خود با مردم از مقامات آمریکایی که وی را دیکتاتور نامیده‌اند، انتقاد و تأکید کرد: دیکتاتور آمریکا است که کشورها را تهدید به حمله می‌کند و باعث کشتار انسان‌های بیگناه می‌شود. وی با بیان این که آمریکا مبارزات خود را علیه دولت و مردم ونزوئلا افزایش داده‌است، تصریح کرد: سطح فقر در کشور ما رو به کاهش و در عوض، سطح آگاهی مردم رو به افزایش است و این مطلب، آمریکایی‌ها را نگران کرده‌است، چون آنها برای این که به راحتی حکومت کنند، می‌خواهند مردم بی‌سواد باشند.

رئیس‌جمهور ونزوئلا با بیان اینکه مصالحه با واشنگتن غیر ممکن است، تهدید کرد که اگر دولت آمریکا از هر گونه تلاشی در جهت مقابله با وی حمایت کند، انتقال نفت به این کشور را متوقف خواهد کرد. تشنگی برای نفت، آمریکا را تحریک کرد که هم به عراق حمله کند و هم کودتای شکست خورده سال ۲۰۰۲ را علیه وی به راه بیندازد. امکان هیچگونه تفاهمی برای انقلاب ما با دولت آمریکا، با امپریالیسم آمریکا وجود ندارد. حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ هدیه‌ای به بوش بود، زیرا وی را قادر کرد که جنگ به راه بیندازد.

هوگو چاوز با اشاره به ایالات متحده آمریکا اعلام کرد: امپراطوری ضعیف شده به دوران افول و پایان خود نزدیک می‌شود. در حالی که امپراطوری به پایان خود نزدیک می‌شود آلبا با اتکا به ملت بزرگ نیکاراگوئه، کشوری که خوشحالم مجدداً به آن سفر می‌کنم، از جای بر می‌خیزد.

و توضیح درباره کلمه آلبا اینکه آلبا (متشکل از حروف ای ال بی ای) مخفف جایگزین (ALTERNATIVE) بولیواری در کشورهای آمریکای لاتین است، لفظ بولیواری در وقع از نام سمون بولیوار قهرمان استقلال کشورهای آمریکای لاتین از سلطه استعمار اسپانیا گرفته شده است. چاوز نیز اغلب از واژه بولیواری برای توصیف انقلاب سوسیالیستی خود استفاده می‌کند.

رییس جمهوری ونزوئلا که با استفاده از نام آلبا در واقع بر استقلال مجدد کشورهای آمریکای لاتین، این بار از سلطه استعمار اقتصادی و سیاسی آمریکا تاکید دارد، در ادامه سخنانش ضمن استفاده تمثیلی از آتش افزوده است: آتش مجدد فروخته شده‌ای را از کشورم می‌آورم، زیرا این آتش (آتش نظام سیاسی و اقتصادی آمریکا) در حال خاموش شدن است و اکنون زمان اوج گرفتن شعله‌های بولیواری، ساندینیستی (اشاره به حزب حاکم در نیکاراگوئه) و داریویی (اشاره به روبن داریو شاعر بزرگ آمریکای لاتینی که تمایلات ضد امپریالیستی داشت) است. چاوز با اشاره تلویحی به سفر بوش گفت: امپریالیسم آمریکایی موفق شده بود طی دو صد سال این آتش را خاموش نگهدارد. امروز نیز رییس امپراطوری (اشاره مستقیم به جورج بوش) آمده است تا آتش شعله‌های فروزان بولیواری را خاموش کند. اما نمی‌تواند؛ نه این امپراطوری ونه ۱۰۰۰ امپراطوری دیگر خواهند توانست شعله‌های جدید انقلاب ساندینیستی، بولیواری، مردمی و آزادیخواهانه‌ای را که در این سرزمین‌ها بالا گرفته است را خاموش کنند. این دومین باری است که رییس جمهوری ونزوئلا از نیکاراگوئه طی ماه‌های اخیر دیدار می‌کند، هوگو. رییس جمهوری ونزوئلا در جریان سفر دوره‌ای خود به چندین کشور آمریکای لاتین سیاست‌های اقتصادی آمریکا و نظام سرمایه‌داری را به شدت مورد انتقاد قرار داد. چاوز در دیدار از بولیویی در سخنانی گفت:

کاپیتالیسم در مسیر جهنم حرکت می‌کند

. آن‌هایی که مستقیماً می‌خواهند به جهنم بروند، می‌توانند از کاپیتالیسم پیروی کنند و ما که هدفمان ساخت بهشت بر زمین است از سوسیالیسم پیروی خواهیم کرد. هوگو چاوز همچنین با اشاره به میلیارد‌ها دلاری که دولت متبوعش در حال تزریق به اقتصاد بولیویی است اعلام کرد: آمریکا در حال کاهش همکاری‌های اقتصادی خود است. ونزوئلا به منظور اجرای طرح‌های اقتصادی در بولیویی ۱۴ میلیون دلار به این کشور کمک می‌کند و از این طریق تونسته است پیشنهاد کمک‌های اقتصادی آمریکا را تحت الشعاع قرار دهد. در مقابل جورج بوش رییس جمهوری آمریکا که وی نیز مانند هم‌تای ونزوئلایی خود در سفر دوره‌ای در آمریکای لاتین بود. در اروگوئه در سخنانی بدون اشاره مستقیم به اظهارات هوگو چاوز ضمن دفاع از کاپیتالیسم گفت: تنها راه نجات مردم از فقر افزایش سرمایه‌گذاری (خارجی) است.

او دیپلماسی آمریکا در قبال کشورهای آمریکای لاتین را دیپلماسی آرام توصیف کرد و ادعا کرد: هدف این دیپلماسی کمک به مردم و بالا بردن شرایط زندگی انسانی است. این سخنان در حالی از سوی جورج بوش رییس جمهوری آمریکا بیان می‌شوند که مردم آمریکای لاتین و بویژه کشورهایایی که وی آن‌ها را مقصد دیدارهای خویش قرار داده است، در تظاهرات گسترده‌ای که

بعضا به خشونت نیز کشیده شده‌اند، مخالفت خود را با حضور رییس جمهوری ایالات متحده در بخش جنوبی قاره آمریکا اعلام کرده‌اند.

نخبگان سیاسی آمریکا باید قدرت انقلاب بولیواری، رهبری هوگو چاوز و شرایط جدید حاکم بر آمریکای لاتین و دریای کارائیب را به رسمیت بشناسند. به نوشته ال موندو، نیکلاس مادورو وزیر امور خارجه ونزوئلا با طرح نکته فوق اعلام کرد: ونزوئلا همواره گام‌هایی را برای بهبود روابط با واشنگتن برداشته، اما واشنگتن به این تلاش‌ها پاسخ مثبت نداده است. اما نخبگان سیاسی در ایالات متحده باید قدرت انقلاب بولیواری، رهبری هوگو چاوز و شرایط جدید حاکم بر کشورهای آمریکای لاتین و دریای کارائیب را مورد شناسایی قرار دهند.

وزیر امور خارجه ونزوئلا خواستار برپایی دادگاهی بین‌المللی برای رسیدگی به دوسیه شکنجه‌ها و جنایات دولت آمریکا در عراق و سایر کشورهای جهان شد. نیکلاس مادورو درباره پیشنهاد خود گفت: روزی فردی باید شجاعت برپایی دادگاهی بین‌المللی را برای تحقیق درباره اقدامات این گروه از آدمکشانی که اکنون بر ایالات متحده آمریکا حکومت می‌کنند داشته باشد.

وزیر امور خارجه ونزوئلا از مقاومت کشورهای خاورمیانه در برابر اقدامات خصمانه امپریالیسم حمایت کرد و گفت: کشورهای خاورمیانه (اشاره مادورو به ملت‌های عرب بود) امپریالیسم را شکست داده‌اند و در نتیجه ایالات متحده آمریکا (به عنوان دولتی) شکست خورده باید عقب نشینی کند. مادورو که در یکی برنامه‌های تلویزیونی سخن می‌گفت افزود: در زمانی که جورج بوش به بهانه تروریسم در خاورمیانه جنگ برپا کرد، سیاستمداران آمریکایی لاتین از فرصت استفاده کردند و رهبری جدیدی پدید آوردند. آن‌ها (آمریکایی‌ها) نظارتشان را بر تحولات در منطقه (آمریکای لاتین) کاهش دادند و ما نیز از این شانس که در اختیارمان قرار داده شده بود استفاده کردیم و از توانایی‌های خود برای پیشرفت در زمینه‌های مختلف استفاده کردیم.

آمریکا و آمریکای لاتین



مقاله ي ازفیدل کاسترو

برخی از برزیلی ها از دیرباز از دوستان کوبا بوده اند، ولیکن این روزها در زیر بمباران نظریات متفاوتی قرار گرفته اند که میتواند هرکسی را گیج کند . در نظر آنها، گرچه ممکن است در مورد در آمد خالص ارزی برزیل، ما بی اعتنا و بی احتیاط جلوه کنیم، معهدا ما هیچ مخالفتی با کشور برزیل نداریم. سکوت در این مورد برای من مثل بی تفاوتی در برابر یک فاجعه جهانی، و درآمد فرضی ارزی آن ملت بزرگ است .

لولا و مردم برزیل را من بخاطر پیروی از قوانین عینی ایکه در طول تاریخ بر نسل بشر حاکم بوده است ملامت نمیکنم. از زمان تشکیل تمدن های بشری که در علوم و فنون و فرهنگ غنی و پیشرفته بشمار می آیند، تنها ۷۰۰۰ سال میگذرد. دستیابی بشر به این پیشرفت ها در یک زمان و در یک عرض جغرافیایی صورت نگرفته است. میتوان گفت که به دلیل وسعت کره ارض، این تمدنها از وجود یک دیگر مطلع نبوده اند. برای دوره های تاریخی هزار ساله، انسان در شهرهای ۲۰ میلیون نفری مثل سائوپولو یا مکزیکوسیتی و یا در شهرهایی چون پاریس و مادرید و برلن و غیروه که در آنها قطارها در امتداد خط آهن ولیکن بر بالشی از هوا با سرعت ۲۵۰ میل در ساعت حرکت میکنند، زندگی نمیکرده است .

در بدو ورود کریستف کلمب که فقط ۵۰۰ سال پیش است، برخی از شهرهای فعلی در قاره آمریکا وجود نداشتند، و یا جمعیتی حدود چندین ده هزار نفر می داشتند. هیچکس حتی یک کیلووات برق صرف روشن کردن منزل خود نمیکرد. جمعیت زمین در آنزمان احتمالاً ۵۰۰ میلیون نفر بوده است. میدانیم که در سال ۱۸۳۰ جمعیت جهان به یک میلیارد میرسید. این جمعیت ۱۳۰ سال بعد سه برابر شده، و ۴۶ سال پس از آن به ۶/۵ میلیارد نفر رسیده است. اکثریت این جمعیت فقیر بوده و غذای خود را با حیوانات اهلی قسمت میکرده است. کما اینکه اکنون بعلت تولید سوخت گیاهی، باید غذای خود را با ماشین قسمت کند.

در زمان انفجار بمب اتمی برفراز دوشهر بزرگ در یک عمل وحشیانه تروریستی علیه سکنه بی دفاع به دلایل صرفاً سیاسی، انسان هنوز پیشرفت های امروزی را در زمینه کامپیوتر و وسایل ارتباطات نکرده بود . امروز دنیا صاحب ده ها هزار بمب اتمی است. قدرت تخریبی این بمب ها ۵۰ برابر بمب های قدیم بوده، و سیستم حمل و نقل، آنها را با سرعتی برابر با چندین برابر سرعت صوت و با دقتی نزدیک به مطلق به هدف میرساند. نسل با فرهنگ ما میتواند خود را با این بمب ها نابود کند . در انتهای جنگ دوم جهانی که مردم علیه فاشیزم میجنگیدند، یک

قدرت جدیدی بوجود آمد که سیطره خودکامه و ظالمانه خود را بر دنیا تحمیل کرد، و ما تا به امروز تحت استیلای آن قدرت زندگی میکنیم.

قبل از سفر جورج بوش به برزیل، رهبران امپراطوری به این تصمیم رسیده بودند که جومواد غذایی منابع مناسب برای تولید سوخت می باشند. در مقابل، لولا اظهار داشت که برزیل هر مقدار سوخت گیاهی ای که لازم باشد را میتواند از تبدیل نیشکر تامین نماید. در این قضیه، لولا امکاناتی را برای آینده کشورهای جهان سوم دیده بود، و تنها مشکل باقی مانده، بالابردن سطح زندگی کارگران گشت و برداشت نیشکر بود. لولا از این نکته آگاه بود و اظهار داشت که در مقابل، ایالات متحده میبایست تعرفه های گمرکی علیه صادرات الکل اتانول به آمریکا را لغو کند. بوش پاسخ داد که به تعرفه های گمرکی و کمک های کشاورزان آمریکای نمیشود دست زد، خاصه در کشوری چون ایالات متحده که خود بزرگترین تولید کننده الکل اتانول از جو در جهان است. کمپانیهای بزرگ تولید سوخت گیاهی در آمریکا اکنون دارند سرعت میلیاردها دالر در این زمینه سرمایه گذاری مینمایند، و از رهبر امپراطوری خواسته اند که سالیانه ۳۵ میلیارد گلن (۳۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰) از این نوع سوخت را وارد بازارهای آمریکا نمایند.

این میزان صادرات بعلاوه مجموعه تعرفه های گمرکی و یارانه ها، رقم این معاملات را به صد میلیارد دالر در سال میرساند. امپراطوری، با مصرف و تقاضای سیری ناپذیراش، این شعار را به همه جهان فرستاده که، سوخت گیاهی تولید کنید تا امپراطوری، این بزرگترین مصرف کننده انرژی، از سوخت هیدروکربن وارداتی بی نیاز شود. تاریخ نشان میدهد که شکر، تک محصولی است که از نزدیک در بردگی مردم افریقا نقش داشته است. افریقایی ها را بزور از سرزمینهای اجدادی خود بیرون کشیدند و به کوبا و هیتی و سایر جزایر کارائیب آوردند تا در تولید شکر شرکت کنند. در برزیل عین همین موضوع در رابطه با تولید نیشکر صورت گرفت.

امروز در برزیل ۸۰ درصد برداشت نیشکر با دست صورت میگیرد. مطالعات تحقیقاتی و محققین برزیلی تأیید کرده اند که یک کارگر برداشت محصول باید در روز در یک شیفت ۱۲ ساعته حداقل ۱۲ تن نیشکر ببرد تا بتواند نیازهای اولیه زندگی اش را تامین کند.

این کارگر میبایست ۳۶۶۳۰ حرکت بدنی دست و پا و ۸۰۰ سفر کوتاه در حین حمل ۱۵ کیلوگرم بار انجام داده و مسافتی بطول ۸۸۰۰ متر را بپیماید. او روزانه ۸ لیتر آب از دست میدهد. فقط با آتش زدن نیشکر در محل برداشت میتوان به این میزان تولید دست یافت. نیشکر را میسوزانند تا کارگران برداشت از نیش زنده حشرات در امان بمانند تا سطح تولید در این حد قرار بگیرد. ساعات معمول یک شیفت کاری از ۸ صبح تا ۵ بعد از ظهر است، ولیکن در کار برداشت نیشکر شیفت روزانه ۱۲ ساعته است. درجه حرارت در هنگام ظهر سر زمین به ۴۵

درجه سانتیگراد میرسد. من، بعنوان یک وظیفه اخلاقی، نیشکر بریده ام، همانطور که بسیاری از رفقای رهبری هم همین کار را انجام داده اند. ماه اوت سال ۱۹۶۰ را بخاطر میاورم. من یک مزرعه نزدیک پایتخت را انتخاب کردم. هر روز صبح زود آنجا حاضر میشدم. نیشکرها از نوع سوخته نبودند، از نوع سبز بودند که از لحاظ تولیدات کشاورزی و صنعتی میزان بارآوری بالاتری را داشتند. من بمدت چهارساعت بدون توقف نیشکر میبریدم. تیز کردن داس با کس دیگری بود. من بطور پیگیر روزانه ۳/۴ تن تولید میکردم. بعد از آن دوش میگرفتم و با آرامش نهار میخوردم و استراحت کوتاهی در محلی در نزدیکی زمین میکردم. در برداشت معروف سال ۱۹۷۰، من برنده چند کوپن شدم. در آن موقع تازه ۴۴ سالم شده بود. بقیه ساعات تا هنگام خواب را صرف انجام وظائف انقلابی ام میکردم. بعد از آنکه به پای چپ ام صدمه زدم به این تلاش شخصی خاتمه دادم. داس تیز پوتین ایمنی ام را برید و به پایم رسید. در برداشت این سال هدف ملی ۱۰ میلیون تن نیشکر و ۴ میلیون تن شیر استخرابی بود. ما به این هدف نرسیدیم ولیکن به آن نزدیک شدیم.

فروپاشی اتحاد شوروی هنوز صورت نگرفته بود. این غیرممکن بنظر میرسید. دوران ویژه، که ما را به تلاش مرگ و زندگی کشاند و با نابرابری های اقتصادی و فساد ناشی از آن کشور را مواجه کرد، هنوز شروع نشده بود. امپریالیست ها معتقد شده بودند که زمان تمام کردن انقلاب فرا رسیده است. منصفانه است اگر بگویم که در طول سالهای رونق اقتصادی، ما منابع زیادی را حرام کردیم و آرمان جوئی ما همراه با امال و آرزوهای ما برای به ثمر رساندن این انقلاب حماسی، در سطح بالائی در جریان بود.

در آمریکا از طریق کشت (مثل گندم، جو، بلغور و غیروه)، و دانه ها (مثل سویا، یونجه، لوبیا و غیروه) به این سطح عظیم تولید دست یافته اند. اینها باعث افزایش نیتروژن و اورگانیزم های خاک میگرددند. میزان تولید ذرت در ایالات متحد در سال ۲۰۰۵ طبق آمار سازمان خوراک و کشاورزی سازمان ملل، ۹/۳ تن از یک هکتار بوده است. در برزیل، ۳ تن از همین مقدار زمین برداشت میشود. کل ذرت تولیدی این کشور خواهر در این سال، ۴۶۰۰۰۰۰ تن بوده است که بصورت غذا در داخل کشور به مصرف رسیده است. برزیل نمی تواند ذرت به بازار جهانی عرضه کند.

قیمت ذرت، که غذای اصلی کشورهای متعدد ناحیه است، نزدیک به دو برابر شده است. وقتیکه صدها میلیون تن ذرت صرف تولید سوخت گیاهی شود، آنوقت چه اتفاقی خواهد افتاد؟ در مورد مقدار گندم، ارزن، ذرت خوشه ای و جو که کشورهای صنعتی صرف تولید سوخت موتورهایشان خواهند نمود، لازم نیست من چیزی بگویم. اضافه بر این، برای برزیل کشت بنوبت غلات و

بنسجیات بسیار مشکل است. از استانهای برزیل که بطور سنتی از تولید کنندگان ذرت می باشند، هشت استان تولید کننده ۹۰ درصد محصول هستند: پارانا، میناسگرنیس، سائوپولو، گویاس، ماتئوگروسو، ریوگرانددوسول، سانتاکاترینا، و، ماتئوگروسودوسول. از طرف دیگر، ۶۰ درصد نیشکر، گیاهی که نمیشود آنرا بنوبت کاشت، در چهار منطقه کشت میشود: سائوپولو، پارانا، پرنامبوکو، و الاگواس. تراکتورها، کامباین ها، و دیگر ماشین های سنگین لازم برای یک کشاورزی مکانیزه، مقادیر متنابهی سوخت هیدروکربن مصرف میکنند. گسترش مکانیزه کردن کشت، کمکی به جلوگیری از گرم شدن کره زمین نخواهد کرد. این مطلب را کارشناسان با اندازه گیری میزان درجه حرارت در طی ۱۵۰ سال گذاشته ثابت کرده اند. برزیل تولید کننده یک ماده غذای عالی و فوق العاده غنی در پروتئین است. برزیل سالیانه ۵۰۱۱۵۰۰۰ تن سویا تولید میکند. ۲۳ میلیون تن در داخل مصرف میشود و ۲۷۳۰۰۰۰۰ تن را صادر میکنند. آیا احتمال دارد که قسمتی از این سویا به سوخت تبدیل شود؟ برزیل تولید کننده گوشت گاو است. مراتع احشام به کشتزارهای نیشکر تبدیل خواهند شد.

روبرتو رادریگز، وزیر سابق کشاورزی برزیل و مدافع کنونی موضع دولت و موسس کمیسیون تولید الکل اتانول با ایالت فلوریدا است. او که مروج تولید سوخت گیاهی میباشد، اعلام کرده است که مکانیزه کردن کشت نیشکر نه تنها اشتغال را افزایش نمیدهد بلکه موجب افزایش تعداد کارگران غیر ماهر و غیرمتخصص میگردد.

ما میدانیم که فقیرترین کارگران از مناطق مختلف به کار بریدن نیشکر روی میاورند. این کارگران در برخی موارد باید برای چندین ماه بدور از خانواده های خود زندگی کنند. تا قبل از انقلاب وضعیت در کوبا از این قرار بود. بریدن و حمل نیشکر با دست صورت میگرفت. با سرنگونی نظام سبع، کارگران کشت نیشکر در سطح وسیع به کار سواد آموزی گمارده شدند. و چون برای مدتی بر سر زمین نبودند، لازم شد که جای آنها را صدها هزار نفر کارگر داوطلب دیگر پر کند.

اضافه بر این، گزارش اخیر سازمان ملل در یاره تغییرات محیط زیست است که نشان میدهد که آمریکای جنوبی، که از آب یخچالهای طبیعی و حوضه آبی آمازون استفاده میکند، با بالارفتن درجه حرارت زمین با چه وضعیتی مواجه خواهد شد. هیچ چیز مانع سرمایه گذاری آمریکای و اروپای در زمینه تولید سوخت گیاهی نمی باشد. آنها حتی حاضرند سرمایه را به برزیل و آمریکای لاتین هدیه کنند. ایالات متحده، اروپا و سایر کشورهای صنعتی دنیا سالیانه ۱۴۰ میلیارد دلار از این کار استفاده خواهند کرد، و نیازی هم ندارند که نگران عواقب آن مثل تغییر محیط زیست و گرسنگی حاصله در کشورهای جهان سوم باشند. و در این کشورها پول کم و

بیش برای خرید سوخت گیاهی و اندک غذای که در بازار جهانی بهر قیمتی عرضه میشود، همواره پیدا می شود . انقلاب در زمینه تولید انرژی اجباری شده است . در حله اول نه تنها باید کلیه لامپ های التهابی را با لامپ های مهتابی جایگزین کرد، بلکه تمام وسائل برقی قدیمی چه در خانه یا کارخانه و مراکز تجاری و صنعتی، با وسائل مدرن تری که دو یا سه برابر برق کمتر مصرف میکنند تعویض گردند.

انسان از تصور اینکه در سال ۱۰ میلیارد تن سوخت فوسیلی در روی کره زمین سوزانده میشود متاثر میشود. این بدان معناست که ما در عرض یک سال، آنچه که طبیعت در طول یک میلیون سال خلق کرده است را تمام میکنیم. صنایع ملی با مشکلات عظیمی مواجه اند، مثل تقلیل میزان بیکاری. چه بسی از این طریق وقت با ما یاری کند و فرصت بیشتری بماند داده شود. خطری دیگر و به نوعی متفاوت دنیا را تهدید میکند، و آن یک رکود اقتصادی در ایالات متحده آمریکا است. در عرض چند روز گذشته دالر رکورد سقوط ارزش پول را شکسته است. از طرف دیگر، بیشتر ذخیره ارزی کشورها به دالر و در اوراق بها دار خزانه داری آمریکا نگهداری میشود. اول ماه مه، روز خوبی است تا این تفکرات را با کارگران و مردم فقیر دنیا در میان بگذاریم. در عین حال باید بر علیه عملی اهانت آمیز و غیر قابل باور که اتفاق افتاده است اعتراض کنیم: و آن آزاد کردن یک دیو تروریست از زندان، و دقیقاً در ۴۶ مین سالگرد پیروزی انقلاب در خلیج خوکها است.

زندان برای قاتلین! آزادی برای پنج قهرمان کوبای! فیدل کاسترو روس ۳۰ اپریل ۲۰۰۷ .

در تهیه این مقاله از بخشهای خبری استفاده شده است .

www.esalat.org